



روایت حماسه‌ای که این روزها

به دست بانوان محله سیدرضی شکل می‌گیرد

۵۰۴

# هر هم محله‌ای یک پرچم



عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

غلامعلی خاکساری، از نخستین ساکنان کوچه  
هاشمی رفسنجانی ۱۲، شاهد پیشرفت محله مجیدیه بوده است

نقش اول آبادی محله

۶



پیگیری‌های شهرآرا محله منطقه ۱۱ در سال گذشته  
منجر به حل برخی مشکلات عمرانی محلات شد  
رسانه‌ای برای اتفاقات خوب محلی

۲

شهرآرا محله منطقه ۱۲ در سالی که گذشت  
بانی رفع کمبودهای محلی بود

۳

شهرآرا محله، زبان مردم از الهیه تا توس

پیگیری های شهرآرا محله منطقه ۱۱ در سال گذشته، منجر به حل برخی مشکلات عمرانی محلات شد

## رسانه ای برای اتفاقات خوب محلی



دست اندازهای بزرگراه آزادی، هموارتر دایمین برای وسایل نقلیه فراهم شد.  
چاپ ۲۸ فروردین

سید مصطفی بهشتی انشریه شهرآرا محله مناطق ۱۱ و ۱۲، یک سال دیگر را با افتخار خدمت در محلات ده گانه منطقه ۱۱ سپری کرد. مادر سال ۱۴۰۴، رسالت اصلی خود را بر رفع کمبودها در این منطقه قرار دادیم و در این راستا کوشیدیم مشکلات در حوزه های عمرانی، خدمات شهری، ترافیک و فضای سبز را برطرف کنیم. کارنامه این عملکرد رسانه ای که در سال ۱۴۰۴ منجر به اتفاقات خوب محلی شد، در ادامه آمده است.



پلیس راهنمایی و رانندگی به موضوع تخطف نمایشگاه داران ورود کرد و افرادی را که سد معبر می کنند، جریمه کرد.  
چاپ ۲۱ خرداد



برای جمع آوری کارگر نماها از انتهای بولوار سیدرضی، اقدام قضایی و خدمات شهری صورت گرفت.  
چاپ ۳۱ اردیبهشت



چراغ های روشنایی معبر آموزگار شهید رجایی ۳۷/۶ بعد از چند هفته خاموشی که موجب ناامنی و تاریکی شبانه بود، روشن شد.  
چاپ ۱۸ اردیبهشت



کانال تخریب شده خیابان شهید قاسمی که دید کافی نداشت و محل سقوط لاستیک خودروها بود، مرمت شد.  
چاپ ۱۱ اردیبهشت



چراغ راهنمایی در تقاطع حادثه ساز بولوار فرهنگ و خیابان شهید قاسمی نصب شد.  
چاپ ۱۷ مهر



معاير حفاری شده برای فیبر نوری، زودتر از موعد برنامه ریزی شده آسفالت شد.  
چاپ ۳ مهر



پرچین های پارک بولوار شهید فخرايي که موجب آسیب به کودکان می شد، هرس شد.  
چاپ ۲۰ مرداد



پایه های روشنایی در بوستان مادر و کودک نصب شده است که منجر به ایجاد فضای امن برای بازی کودکان شد.  
چاپ ۱۱ تیر



تابلوهای راهنمایی و رانندگی در تقاطع اول امامت ۱۳ برای پیشگیری از تصادفات نصب شد.  
چاپ ۲۵ دی



چند نقطه ناهموار که موجب آسیب به خودروها در بولوار معلم بود، آسفالت شد.  
چاپ ۱۳ آذر



سرعت گیر در خیابان شهید ستاری نصب شد که وقوع حوادث را به حداقل رساند.  
چاپ ۲۹ آبان



پیاده رو بولوار سیدرضی، حدفاصل وکیل آباد تا فرهنگ سامان دهی شد.  
چاپ ۱۵ آبان

شهرآرامحله منطقه ۱۲ در سالی که گذشت، بانی رفع کمبودهای محلی بود

# شهرآرامحله، زبان مردم از الهیه تا توس

۱۲



بازخورد

بهشتی در سالی که گذشت، بخش عمده توان رسانه ای شهرآرامحله ۱۱ و ۱۲ بر پیگیری مشکلات شهروندی متمرکز بود. در این راستا تلاش کردیم پلی باشیم میان مسئولان و مردم تا روند رفع کمبودهای شهری تسریع شود. در این مدت، تقاضاهای مختلفی را از الهیه تا توس پیگیری کردیم تا شرایط زندگی در منطقه ۱۲ مطلوب تر از پیش باشد که ما حاصل این روند را در ادامه می خوانید.



کانال جمع آوری آب های سطحی حاجی آباد ۸ نظافت شد که رفع بوی بد و آلودگی محیطی را به دنبال داشت.

چاپ ۱ مرداد



خاک و نخاله و زباله های رها شده از زمین های بدون مالک و رها شده الهیه، جمع آوری شد.

چاپ ۱۸ تیر



آسفالت نوبر انتهای خیابان سجادیه نشست تا هم آسفالت قدیمی نوسازی و هم بخشی از معابر خاکی آسفالت شود.

چاپ ۱۸ اردیبهشت



سرعت کاه در کوچه فردوسی ۳ نصب شد که باعث کنترل سرعت وسایل نقلیه و کاهش حوادث رانندگی در این مسیر شد.

چاپ ۲۱ فروردین



بامعضل سگ گردانی در بوستان امیریه، برخورد و بنرهای اطلاع رسانی نصب شد.

چاپ ۸ آبان



باکس های زباله و فضای اطراف آن در خیابان توس ۱۹۱ و ملاصدرا ۲ نونوار شد.

چاپ ۲۴ مهر



گره ترافیکی تقاطع بولوارهای الهیه و محمدیه بانصب چراغ راهنمایی و رانندگی باز شد.

چاپ ۶ شهریور



اقدامات توسعه زیرساختی در محله وکیل آباد با تمرکز بر بهبود وضعیت معابر آغاز شد.

چاپ ۱۶ مرداد



آب استخر بزرگ بوستان نیایش تعویض و سیستم تصفیه آب برای گندزدایی و رفع بوی بد راه اندازی شد.

چاپ ۹ بهمن



۳ باکس زباله جدید در خیابان امیریه ۳۱ نصب شد.

چاپ ۲ بهمن



پروژه نیمه کاره احداث بولوار رحمانیه که چند ماهی رها شده بود، به پایان رسید.

چاپ ۲۰ آذر



خیابان عزیزیه پس از ماه ها پیگیری شهرآرامحله آسفالت شد.

چاپ ۲۲ آبان

### اینجا کسی بیکار نیست

سیدرضی ۴۵ را که وارد می شویم، کمی جلوتر از بیمارستان بینا، دیوارهای مزین به بنر تصویر رهبر شهید انقلاب و ایستگاه صلواتی سیاه پوش جلب توجه می کند. در مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup>، نیمه باز است. جلوتر از ما خودرویی مقابل مسجد پارک می کند و چند بانو از آن بیرون می آیند. به دنبال آن ها چند پسر نوجوان در حالی که چند دسته از میله های پرچم را در بغل گرفته اند، وارد صحن مسجد می شوند. در قسمت مردانه مسجد به جز معاون قرارگاه و چند نوجوان که مشغول میله کردن پرچم های دوخته شده هستند، کسی نیست. اما در بخش شبستان تازه ساز، صدای همهمه، خبر از حضور پررنگ بانوان دارد.

در گوشه ای کودکان دور هم حلقه زده و مشغول درست کردن کاردستی با قیچی و کاغذ رنگی هستند. در یک سمت، پشت میزهای سیاه پوش مزین به قاب عکس رهبر شهید انقلاب اسلامی، بانوان پشت میز خیاطی نشسته اند؛ میزها پر است از پرچم های برش خورده که آماده درودوزی هستند. روی زمین چند دختر نوجوان و مادر بزرگی تر و فرزند پرچم ها را در میله قرار می دهند و پایین آن را چسب می زنند تا از میله بیرون نیاید. میان سروصدای چرخ ها و بازی پسر بچه ها، کلاس های تفسیر قرآن و آموزش کمک های اولیه و دوام ثامن هم برای علاقه مندان برقرار است. اینجا همه دلشان برای ایران می تپد.

### آن روزها مربای پختیم، امروز پرچم می دوزیم

بین بانوان که هر کدام به کاری سرگرم هستند، جنب و جوش یک نفر خیلی به چشم می آید. او یک بار پای میز خیاطی است و نکاتی را به تازه کارها دیکته می کند و چند دقیقه بعد، بالای سر دختران نوجوانی است که مشغول بسته بندی پرچم های آماده هستند.

مریم شورگشتی از بانوان فعال محله و خادم افتخاری مسجد است. او درباره حال و هوایی که این روزها تجربه می کند، می گوید: درباره دوخت پرچم از طریق کانال مجازی مجتمع فرهنگی مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> خبردار شدیم. درست از شب یازدهم اسفند، این کار شروع شد. از همان شب اول، استقبال پر شور و چشمگیر بود. پرچم های برش زده رسیده بود و باید سریع دوخته می شد. همسایه ها چرخ خیاطی هایشان را از خانه به شبستان مسجد آوردند و کار را شروع کردیم. حدود پانزده نفر می شدیم.

مریم خانم همان طور که یک دسته پارچه را برمی دارد و روی میز می گذارد، ادامه می دهد: از همان ابتدا بنا را به تقسیم کار گذاشتیم تا سفارش ها به سرعت آماده شود. چند نفری پای چرخ نشستند و چند نفری نخ های اضافه را برش می زدند. پسرهای نوجوان

هم با سرعت پرچم های دوخته شده را در میله و در دسته های

بسیار تایی بسته بندی می کردند.

او که در دوران دفاع مقدس ۹ سال داشته است و در تهران زندگی می کرده، تعریف می کند: این روزها، حس و حال دوران جنگ برای من دوباره زنده شد. همان دوره می های همدلانه در مسجد. با این تفاوت که آن زمان دیگر های مربا و کمپوت به پا بود و بافت زاکت و کلاه و شال گردن و دستکش؛ امروز دوباره چرخ های خیاطی از گوشه خانه های بیرون آورده شده است. اما این بار برای دوخت پرچم.

### از هر نقطه شهر، پای کار دوخت برای وطن

پشت میز خیاطی، مادری جوان در کنار دختر سیزده چهارده ساله اش مشغول کار است. پسر بچه ای که کنارش ایستاده، با قیچی کوچکی سرگرم زدن نخ های اضافه پرچم های دوخته شده است. این بانو خودش را و جبهه رهبر معرفی می کند. او که از ابتدای کلید خوردن دوخت پرچم، خانوادگی به همراه دو خواهر، همسر برادر و مادر و پدرش در مسجد حاضر است، می گوید: هر کدام از ما یک گوشه شهر زندگی می کنیم. من از قاسم آباد می آیم، یکی از خواهرانم از طر قبه. ما بیشتر فعالیت های مسجدی مان را در همین محله پدیری ادامه می دهیم.

او که خیاط است و در کارگاه کوچک خانگی اش چرخ خیاطی صنعتی دارد، می گوید: چند شب، کار سردوز را در منزل انجام می دادم و فرزندانم حسین و زینب هم در زدن نخ های اضافه و بسته بندی کمک حالم بودند.

زهرا جعفری، عروس خانواده رهبر، در حالی که مشغول تازدن پرچم های دوخته شده است، با چشمانی برق زده، دنباله صحبت های خواهر همسرش را می گیرد و می گوید: اینجا از بچه پنج ساله تا پیرزن هفتاد هشتاد ساله پای کارند.

او با اشاره به قسمتی که دختران نوجوان وزنی میان سال مشغول میله کردن و چسب کاری پرچم ها هستند، می گوید: مادر و بچه های خواهر و برادرم که یازده نفر می شوند، هر کدام بخشی از کار را انجام می دهند.

او همان طور که قیچی کوچکی را به دست فرزندش، رقیه، می دهد، می گوید: دختر بزرگم، ملیحه در کار دوخت، کمک دستمان است. پسر، علی در بسته بندی پرچم های آماده، رقیه خانم هم با قیچی نخ های اضافه را می زند و گاهی هم در تکرار آن ها کمک می کند. زهرا خانم درباره تجربه دوخت پرچم به سفارش یکی از موبک های شهر می گوید: قبل این کار، از یکی از موبک های بولوار شهید قرنی، سفارش دوخت پرچم داشتیم. من آن پیشنهاد را با جان و دل قبول کردم؛ چون دوست داشتم سهمی در این فعالیت داشته باشم.

روایت حماسه ای که این روزها به دست بانوان محله سیدرضی شکل می گیرد

# هر هم محله ای یک پرچم

فاطمه سیرجانی این روزها مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> در محله سیدرضی فقط مکان اجرای برنامه های مذهبی نیست؛ یک سنگر است. سنگری که بوی باروت جنگ تحمیلی سوم را، نه در گرد و خاک، که در میان غیرت مردان و زنانش حس می کند. در روزهای هشت سال دفاع مقدس، مادران و همسران رزمنده ها، شب ها تا صبح پای چرخ های خیاطی می نشستند و لباس و دستکش می دوختند؛ دیگر مربا را نذر جبهه می کردند و لابه لای نخود و کشمش های بسته بندی شده، نامه می گذاشتند؛ نوشته هایی برای قوت دل مردان خط مقدم. امروز، جنگ شکل عوض کرده است. این جنگ، جنگ جنگنده، موشک و پهپاد است، اما قلب مردم همان قلب های پرمهر دیروز. این بار مردم غیرتمند ایران، به جای خاکریز، در خیابان سنگر گرفته اند و به جای تفنگ، پرچم به دست می گیرند؛ پرچمی که با داستان مادرانه و در دل مسجد دوخته می شود تا در شب های پر شور، اوج بگیرد و فریادی بلندی باشد با معنای «ما هنوز ایستاده ایم».

روایت دوخت پرچم در مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> محله سیدرضی، روایت حرکت خود جوش «قرارگاه مردمی ولی امر» مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> است که از اوایل اسفند سال گذشته کلید خورد؛ روایت بانوان فعالی که ملی ترین نماد این روزهای ما را به دست مردم می رسانند.





### نوجوانان، پرچم داران کوچک

پسران نوجوان در قسمت مردانه نمازخانه دور هم نشسته اند و ضمن انجام کارهای آماده سازی پرچم، به شیطنت و بازیگوشی که اقتضای سنشان است، مشغول اند. گاهی هم بین کار، استراحتی به خود می دهند و در محوطه بزرگ حیاط مسجد پایه توپ می شوند. محمدرضا، بهراد، ایمان، ابوالفضل، محمدحسین، محمدطاها و ابوالفضل، بچه محل های سیدرضی این شب های پای کارپوش دوخت پرچم هستند. بعضی از آن ها از شب اول شروع دوخت پرچم حاضر بوده اند و عده ای در دومین مرحله پای کار آمده اند. ابوالفضل حسینی با چشمانی پر از غرور می گوید: هیچ وقت این همه پرچم رایک جاندیده بودم. کمک های ما برای برنامه های مناسبتی مثل ماه رمضان، ماه محرم، اعیاد و... در حد نصب پرده های سیاه و پرچم و تمیز کردن مسجد بود. این اولین بار است که در تولید پرچم همه ما هم کمک می کنیم. این شب و روزها در نگاه او این پارچه سه رنگ سبز و سفید و سرخ، نشان پرچم کشورش نیست؛ نشان افتخار و عزت ایران است و هرچه تعداد پرچم هایی که در آسمان برافراشته شود، بیشتر باشد، حس اقتدار و بیشتری به او دست می دهد.

### ارمغان جنگ تحمیلی سوم: اتحاد و همبستگی بیشتر مردمی

معاون قرارگاه ولی امر مجتمع فرهنگی مسجد امام رضا (ع)، استقبال پرشور اهالی محله برای حضور در اجتماعات را انگیزه اقدام به دوخت پرچم می داند. علیرضا آجری با اشاره به درخواست اهالی برای داشتن پرچم، می گوید: با توجه به درخواست های مکرر تصمیم گرفتیم کارگاه تولید پرچم در مسجد را با شعار «هر هم محله ای، یک پرچم» راه اندازی کنیم. سفارش پارچه داده شد و به دنبال آن، از بانوان برای کمک در دوخت، دعوت و فراخوانی منتشر کردیم. همان شب اول، تعدادی از بانوان محله، چرخ های خیاطی شان را به مسجد آوردند و کار شروع شد. بیش از ۲ هزار بیرق، آمار پرچم های دوخته شده و توزیع شده بین مردم و تشکل های مذهبی تاکنون است که به گفته آجری در دو نوبت با راه اندازی کارگاه خیاطی، دوخته و عرضه شده است.

### دل نمی آید پرچم زمین گذاشته شود

بخش سخت تهیه این گزارش، تمایل نداشتن بانوان فعال برای گفت و گو و گرفتن عکس است. یکی از آن ها بانوی جوانی است که گوشه ای نشسته است و نخ اضافه پرچم های دوخته شده را بانوک قیچی کوچکی می گیرد. او با این شرط که نامی از او نبریم و عکسی گرفته نشود، حاضر به گفت و گو می شود. درباره داستان حضورش در این جمع می گوید: یک شب در اجتماعات چهارراه آزاد شهر در خود رو پشت چراغ قرمز منتظر بودم که یکی پرچمی به دستم داد. حال خوبی که آن لحظه بان پرچم در وجودم حس کردم. سبب شد شب های بعد در آن اجتماع حاضر شوم. دوست نداشتم پرچمی که از سر مهر به من داده شده و برایم عزیز است، زمین گذاشته شود. او که همسایه مسجد است، ادامه می دهد: وقتی در کانال مسجد محله، خبر دوخت پرچم را دیدم، خیلی خوشحال شدم. تصمیم گرفتم در این کار خیر شرکت کنم و سهمی در دفاع از این آب و خاک داشته باشم.

### شور امید و زندگی اینجا جریان دارد

هرکسی به نیتی، در این حرکت جهادی شرکت کرده است؛ از بانویی که همسرش در میدان نبرد با دشمن متجاوز است و او برای کاهش استرس اخبار جنگ هر غروب به اینجا می آید تا دختر جوانی که خواسته طعم کمک به جبهه های دهه ۶۰ و همدلی و صمیمیت آن دورهمی ها را تجربه کند. زهرا عطایی، یکی دیگر از بانوان محله، به طور اتفاقی، نوشته روی در مسجد و دعوت از بانوان برای دوخت پرچم را می بیند و می آید. زهرا خانم معلم است. او روزها با دانش آموزانش از ایران می گوید و شب های پای چرخ خیاطی می نشیند؛ چرخ خیاطی ای که جهیزیه اوست و بیست سالی از عمرش می گذرد. زهرا خانم در حالی که لبخندی به لب دارد، می گوید: این چرخ بیشتر عمرش خاک خورد، اما این شب ها انگار دوباره جان گرفته است. هر دوختی که می زنم، می گویم پول این چرخ حلال شد. خانم معلم محله سیدرضی حضور مردم و پرچمی را که در دستانشان است، قوت قلب مردان میدان نبرد می داند.



### خستگی، معنای ندارد

هرچه به اذان مغرب نزدیک می شویم، تعداد بانوان بیشتر می شود. زهرا و الهام رضازاده دو خواهری هستند که از محلات دیگر می آیند. آن ها از طریق مسجد از دوخت پرچم خبردار شده اند. زهرا خانم که ۳۲ سال دارد، می گوید: ما همراهی مردم در دوران هشت سال دفاع مقدس را به درستی درک نکرده بودیم و وقتی روایت کمک های مردمی پشت جبهه را در تلویزیون می دیدیم، آن صمیمیت و همدلی بین مردم را به حساب داستان فیلم ها می گذاشتیم اما در این چند شبانه روز، همدلی، ایثار و اخلاص را بین خواهران و برادرانی که اینجا بودند، به چشم دیدیم و با تمام وجود لمس کردیم. الهام، خواهر کوچک تر، دنبال صحبت های زهرا خانم را می گیرد و می گوید: این شب ها برای هیچ کس خستگی معنا ندارد. همه، زن و مرد، اینجا صد خود را گذاشته اند تا کار هر چه زودتر به سرانجام برسد. خواهر بزرگ تر همان طور که پارچه را زیر سوزن چرخ تنظیم می کند، می گوید: هر زمان نیاز به کمک بوده است، چه مراسم مناسبتی محرم، چه ماه رمضان و اعیاد، سعی کرده ایم در مسجد حاضر باشیم، اما هیچ وقت نشستن پای چرخ و دوخت پرچم مقدس کشورمان را تجربه نکرده بودیم، چه برسد به واقعیت، و این افتخاری برای ما است.



غلامعلی خاکساری، از نخستین ساکنان کوچه هاشمی رفسنجانی ۱۲، شاهد پیشرفت محله مجیدیه بوده است

## نقش اول آبادی محله

### ایستگاه اول

حسین برادران فرا غلامعلی خاکساری با شانزده سال سابقه سکونت در کوچه هاشمی رفسنجانی ۱۲ از نخستین ساکنان محله مجیدیه است. تلاش او و دیگر ساکنان قدیمی، این محدوده را از مکانی دورافتاده و کم‌امکانات به محله آباد و پر جنب و جوش کنونی تبدیل کرده است. این شهروند محله مجیدیه توسعه در کوچه‌ها و خیابان‌های این محدوده را به خوبی به خاطر سپرده است؛ زیرا همیشه یکی از نقش‌های کلیدی را در پیگیری امور محلی برعهده داشته است و هنوز هم آرزوهای برای تحقق توسعه در این محدوده از شهر دارد.



این قسمت از کوچه که نزدیک خانه ما بود، چراغ و روشنایی‌ای نداشت و در دسرهای خودش را برای مردم داشت. کسی هم در شرکت برق جوابگو نبود. تصمیم گرفتم زمین را بکنم و کابل برق را زیر زمین بخواهانم تا کار انجام شود. چندسالی همین‌طور استفاده شد.

### ایستگاه دوم

گوشه‌ای از بوستان نیلوفر، به نظرم اولین پایگاه مردمی محله مجیدیه بود و ما آن را تشکیل دادیم. از خانه موکت می‌آوردیم و اینجا پهن می‌کردیم تا مردم نماز بخوانند و هم درباره توسعه محله و رفع کمبودها صحبت کنیم که نتایج خوبی هم داشت.



### ایستگاه سوم

وقتی تعداد همسایه‌ها بیشتر شد، ساخت مسجد حضرت معصومه (س) را در کوچه هاشمی رفسنجانی ۱۲ پی گرفتیم. بعد از ساخت در سال ۱۳۹۱، گفتیم خادم افتخاری مسجد می‌شوم. بقیه هم استقبال کردند. خلاصه در این مدت، کارم این بوده و باعث افتخار من در این محله است.



### ایستگاه چهارم



### ایستگاه پنجم

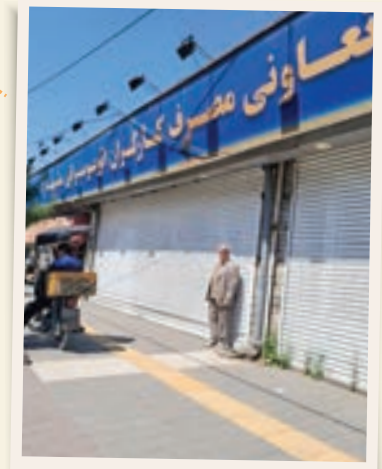
هنگام شروع زندگی در محله، چند نهال جلو منزل کاشتم. خیلی هم مواظبشان بودم؛ از آب دادن تا کود دهی. آن زمان که در این اطراف گله دیده می‌شد، از نهال‌ها مراقبت می‌کردم تا خوراک گوسفند نشوند. نتیجه‌اش شد این درخت سرسبز زیبا.

### ایستگاه ششم



اول سکونت، هیچ مغازه‌ای در این محدوده وجود نداشت و چند خانواده‌ای که ساکن بودیم، مایحتاج و نیازهای روزانه خود را از فروشگاه تعاونی مصرف کارکنان اتوبوس رانی مشهد واقع در ابتدای بولوار الهیه تهیه می‌کردیم. شب‌ها، رفت و آمد به آنجا هم سخت بود، ولی کار مردم راراه می‌انداخت.

وقتی بچه‌های مردم را در محله می‌دیدم، فکر می‌کردم در این محدوده که مدرسه‌ای نیست؛ این‌ها کجا درس می‌خوانند. با همسایه‌ها شروع کردیم به پیگیری برای ساخت مدرسه، که نتیجه‌اش شد ایجاد یکی دو فضای آموزشی. الان چندسالی است همه دغدغه‌ام این شده است که ساختن یک مدرسه دیگر در زمین کنار مسجد را به نتیجه برسانم.



صف‌های به هم پیوسته نماز و دعا برای میهن اسلامی، در میدان شهید دلواری تجلی همدلی مردم است

## شب‌های استغاثه محله دانشجو

عیدگاه

برنامه حاضر می‌شود. او می‌گوید: رهبر ما گفتند حضور در میدان ادامه دار باشد؛ ما هم به ندای رهبرمان لبیک گفتیم. دعا و نماز هم که در همه شرایط توصیه شده است و یقیناً این حالت معنوی و توسل ما به خدای احد و واحد، بر روحیه نیروهای ما هم اثر مثبتی دارد. ذره‌ای هم شک نداریم از آغاز تا پایان این مسیر، پیروزی با ما است. محدثه مهربان نوه دختری این مادر است که می‌گوید: هر فرمائی از سوی رهبر معظم انقلاب و فرماندهان میدان صادر شود، ما تبعیت می‌کنیم. چون کاری برای کشور و نظام است و حتی اگر به قیمت جانمان تمام شود، ارزشش را دارد.

### ● جنگ، ما را دور هم جمع کرد

برگزاری منظم نماز استغاثه و دعای محله دانشجو تصاویر متفاوتی را خلق می‌کند؛ همه چیز منظم آغاز می‌شود و صفوف به هم پیوسته، فضای محوطه کنار میدان رئیسعلی دلواری را پر می‌کند. با مشارکت هیئات و مساجد، گروهی به عنوان خادمان برنامه تعیین شده‌اند که نوجوان و جوان هستند، مانند محمد جواد زمردی که می‌گوید: به نظرم حضور میدانی مردم، همانند کار نیروهای مسلح در پیروزی اثرگذار است. به این دلیل من افتخار می‌کنم که خادم کشور هستم.

این جوان محله شریف می‌گوید: در این شب‌ها من گروه‌های مختلفی از مردم را دیده‌ام و لذت می‌برم که این طور همه با هم یکدل هستیم. به نظرم جنگ تحمیلی، ما مردم را با هر گونه طرز فکری دوباره دور هم جمع کرد.

او ادامه می‌دهد: هر چه گذشت، جمعیت افزایش یافت و نماز استغاثه و دعا برای پیروزی رزمندگان میهن هم برنامه ثابت ما شد. حالا این دعا بعضی شب‌ها با دعای توسل همراه است و برخی شب‌ها با دعاهای گروهی. در مجموع آنچه از این جمعیت دیده می‌شود، صدای واحد برای حمایت از خدمتگزاران کشور در همه عرصه‌هاست.

### ● جانمان فدای کشور و نظام

برنامه استغاثه و دعا برای پیروزی ایران و ایرانی، نه زن و مرد می‌شناسد و نه پیر و جوان، این صفوف که حدود ۲۵ شب است تشکیل می‌شود، نمادی از همدلی برای ایران اسلامی است. فاطمه شکوری مادری هفتادساله است که همراه نوه‌اش در این

بهشتی از ساعت ۸ شب می‌توان حضور مردم را در صحنه دید. جمعیت پیاده از کوچه‌های اطراف، خود را به برنامه می‌رساند و ماشین‌ها هم یکی پس از دیگری در حاشیه بولوارهای دانشجو و آموزگار پارک می‌کنند. این گونه است که هر شب بیش از ۲ هزار شهروند و وطن پرست، در میدان رئیسعلی دلواری محله دانشجو در صفوف به هم پیوسته کنار هم می‌ایستند و نماز استغاثه می‌خوانند. حالا در این شب‌ها که آتش بس برقرار شده است، باز هم مردم در صحنه هستند و معتقدند پیروزی رزمندگان اسلام، چه در عرصه دیپلماسی و چه در میدان نبرد، باید به نقطه مطلوب تر برسد؛ به این دلیل است که بنا به توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله... سید مجتبی خامنه‌ای، برنامه نماز استغاثه و دعا برای سر بلندی ایران را ادامه می‌دهند.

### ● صدای واحد ملت، از محله دانشجو

یازده هیئت و هفت مسجد محلات منطقه ۱۱ برای برپایی این برنامه جامع شبانه تلاش می‌کنند. به این دلیل است که میدان رئیسعلی دلواری، کانون بزرگ‌ترین تجمعات منطقه ماست. محمود افخمی که مسئول هماهنگی امور برنامه است، می‌گوید: از شب دوم نوروز، برنامه تجمعات محلی را به سمت و سویی بردیم که به یک تجمع واحد منجر شود و جمعیت در نهایت به یک نقطه برسند تا هم تعدادشان بیشتر باشد و هم پیامی یکدل را فریاد بزنند.



یاوه‌گویی‌های دشمنان درباره خلیج همیشه فارس مردم را در میدانی به همین نام جمع کرد

## روز و شب مراقبتیم وطن



عیدگاه

هم متوجه شده‌اند که ما برای چه اینجام جمع می‌شویم و نام خلیج فارس را چرا فریاد می‌زنیم. این تجمعات از سر شب آغاز می‌شود تا دم صبح ادامه دارد. این نشان می‌دهد مردم ماشب و روز پایه پای نیروهای مسلح، مراقب وطن خود هستند.

### ● همه می‌آیند و می‌روند؛ نام‌ها ماندگار است

در این تجمعات علاوه بر حضور پر شور مردم، برافراشتن پرچم مقدس ایران اسلامی در چهار طرف میدان، سر دادن شعار، نصب نقشه‌های قدیمی جهان که در آن از عنوان خلیج فارس استفاده شده و اقدامات دیگر، حضور نوجوانان و نونهالان هم پررنگ است؛ نوجوانانی که آموزه‌های درس خود را در این میدان فریاد می‌زنند تا همه بدانند این آبی نیلگون تا همیشه خلیج فارس است.

سامیار الهویی می‌گوید: من از طریق کانال مدرسه‌ام که در محله رحمانیه است، متوجه تجمعات میدان خلیج فارس شدم و همراه با مادرم آمدم که بگوئیم این نام ابدی است و نمی‌توان آن را تغییر داد. خیلی از مسئولان بی‌سواد دشمنان مادر این سال‌ها آمده‌اند، از این نام جعلی سوء استفاده کرده و رفته‌اند، اما آنچه ماندگار بوده همین نام خلیج فارس است.

### ● ما با دشمن و خائن کنار نمی‌آییم

یکی از اقداماتی که هم‌زمان با تجمعات مردمی در میدان خلیج

فارس آغاز شده است، برافراشتن بیرق بزرگ ایران اسلامی است که حالا حدود هفت شبانه روز است که باد به آن می‌وزد و مردم عادی پای آن ایستاده‌اند. این پرچم ۳/۵ در ۲ متر مربعی از سوی اهالی مسجد قائم‌المهدی (عج) تهیه شده و بر فراز پایه چوبی شش متری قرار دارد. مرتضی فرهادی، از اهالی محله جاهد شهر که پرچم را آورده و بیش از ۱۷ ساعت در این روزها آن را نگه داشته است، می‌گوید: دشمن ما اشتباه همیشه را تکرار کرد. آن‌ها با همه ادعایی که دارند، فریب یک عده وطن فروش خارج از این مرز و بوم را خوردند. حمله کردند که بعد مردم به خیابان بریزند و علیه حاکمیت قیام کنند اما مردم بیرون آمدند و در پشتیبانی از جمهوری اسلامی متحد شدند. ما وقتی حرف از ایران باشد، با هیچ دشمن و خائنی کنار نمی‌آییم؛ این در ذات ایرانیان است. او ادامه می‌دهد: از روزی هم که ترامپ وزیر خارجه‌اش و چند نفر دیگر درباره نام خلیج فارس یاوه‌گویی کردند، متحد شدیم که پرچم ایران را با حضور مردم در این میدان بالا نگه داریم تا این پیام را منتقل کنیم که نام خلیج فارس با هویت ایرانی پیوند خورده و همیشه ماندگار است.

بهشتی اشکست در میدان نبرد و همچنین در ماندگی دشمن در تحمیل خواسته‌ها در عرصه دیپلماسی، سبب شده است سیاستمداران و فرماندهان محور آمریکایی، عربی، صهیونیستی، جنگ را به عرصه رسانه بکشانند و در صد این باشند که هویت ملی کشور ما را به چالش بکشند. غافل از اینکه مردم ایران اسلامی هر وقت پای عقاید و تعصبات ملی‌شان وسط باشد همه جوهره در میدان هستند. گزافه‌گویی‌ها درباره نام خلیج فارس سبب شد اهالی منطقه ۱۲ و حتی مناطق هم‌جوار، میدان خلیج فارس را تبدیل به پاتوقی محلی کنند تا این گونه از دل محله، ایستادگی ایرانیان پای خلیج همیشه فارس را نشان دهند.

### ● پاسداری از نام خلیج فارس

آن‌ها که تا چند شب پیش در چهارراه سجادی، میدان بوستان و فضاهای اطراف دور هم جمع می‌شدند، حالا مقصد تجمعاتشان برای حمایت از نیروهای مسلح و کیان ایران را به میدان خلیج فارس منتقل کرده‌اند. فرشته شهبازی، یکی از شرکت‌کنندگان در تجمع، می‌گوید: این پیشنهاد بچه‌های مسجدی و مردمی بود که در این شب‌ها با هم آشنا شده بودیم. وقتی یکی دوشب آمدیم، دیدیم بقیه هم استقبال کرده‌اند. الان چند شبی است که تعداد مردم به حدود هزار نفر می‌رسد و شعارها و پرچم‌ها متناسب با همین هدف است. او ادامه می‌دهد: با ادامه این تجمعات الان بچه‌های هشت‌نه‌ساله



کودکان نیز به برنامه گرامیداشت هم سن و سال‌های شهید خود آمده‌اند؛ مانند حسین مصطفوی پاژ که می‌گوید: خدا بچه‌های میناب را خیلی دوست داشت که این طوری آن‌ها را در آغوش گرفت. من امروز به یاد آن‌ها نهال سرو می‌کارم تا نشانی از استقامت و مقاومت همه بچه‌های ایران باشد.



ریحانه مهدی خواه، زهرا بهروزی، زهرا انصاری فر، علیرضا زارعی، همایون زینعلی، رضا بارانی، فاطمه سالاری و... نام‌هایی است که در کنار تصاویر زیبایشان روی نهال‌ها قرار گرفته است. مردمی که در این روز، پای کار کاشت نهال آمده‌اند، برای هر کدام از این شهدا، قطره اشکی می‌ریزند؛ بچه‌هایی که هیچ وقت آن‌ها را ندیده‌اند اما دوستشان دارند.

اهالی منطقه ۱۱ به یاد شهدای مدرسه میناب، ۸۰ نهال در کنار مزار شهدای گمنام پارک ملت کاشتند

## یاد گل‌های پرپر شده در میان گل‌ها

بهشتی‌الایه لای باغچه‌های گل، به تازگی نهال‌هایی قد علم کرده‌اند که روی هر کدام از آن‌ها تصاویر گل‌های پرپر شده میهن نصب شده است؛ گل‌هایی که در روز اول تجاوز آمریکایی صهیونیستی به میهن عزیزمان در مدرسه شجره طیبه میناب بر بال‌های ملانک نشستند و به آسمان رفتند.

۸۰ نهال سرو، توس، زبان گنجشک و... جمعه گذشته، به یاد این شهدای عزیز در کنار مزار شهدای گمنام بوستان ملت کاشته شد. این اقدام از سوی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری با مشارکت تشکل مردمی شهید عرفایی و شهرداری منطقه ۱۱ اجرایی شد. نهال‌های تازه کاشته شده، قرار است نهال امید باشند. امید به پیروزی و سرافرازی ایران.



این برنامه را بزرگ‌ترها ترتیب داده‌اند و نوجوانان و نونهالان به خوبی از آن استقبال کرده‌اند و حتی خیلی از کارها را پیش می‌برند. خودشان با تصاویر شهدا در میدان حاضرند و سرودهای گروهی را در وصف ایران می‌خوانند. وقتی زمان شعار دادن علیه دشمن متجاوز می‌رسد، مشت‌های گره‌کرده کودکان و نوجوانان بالامی‌رود.



نقیسه حسینی دختری یازده ساله است که نهال توت را به یاد شهید زهرا بهروزی کاشته است. او می‌گوید: ما باید تلاش کنیم یاد همه شهدا همیشه در جامعه ما زنده بماند. من چند سال دیگر به کاشت این نهال به یاد دوست شهیدم افتخار خواهم کرد و حس می‌کنم او همیشه در این سرزمین نفس می‌کشد.